

بررسی جامعه‌شناختی چالش‌های سنت‌گرایی و نوگرایی در ایران طی سالهای ۱۳۷۸-۱۳۸۸ (هش)، زنان استان چهارمحال و بختیاری

* دکترسیف‌الله سیف‌اللهی

** مهشید سلیمانی

تاریخ دریافت مقاله: ۸۹/۱۰/۲۷

تاریخ تأیید مقاله: ۸۹/۱۲/۰۴

چکیده

چالش مذکور حاصل رابطه دوسویه فرد با سنت و نوگرایی است. این رابطه از یک سو متضمن وفاداری فرد به سنت‌ها و از سوی دیگر مستلزم گرایش فرد به نوگرایی است. در تحقیق حاضر برای بررسی مفهوم این چالش در زنان استان چهارمحال و بختیاری به مقایسه دو گروه ۲۰۰ نفره از هر دو طیف بین سنین ۲۰ الی ۴۰ ساله به صورت نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شده‌اند و با روش مصاحبه و پرسشنامه بین این گروه با استفاده از آزمون‌های تی تک‌متغیره، آزمون تی مستقل، آزمون کای اسکور و... اقدام به بررسی تفاوت ویژگی‌های دو گروه نموده‌ایم. هدف کلی تحقیق بررسی این چالش در میان زنان استان چهارمحال و بختیاری است که اهداف جزئی آن شامل علل و عوامل اجتماعی این چالش، بررسی پیامد و آسیب‌های برخاسته از آن و نهایتاً ارائه راهکارها در زمینه مذکور در بین زنان جامعه مورد تحقیق می‌باشد. فرضیات تحقیق شامل:

- ۱- بین ارزشهای نوگرا با سنت‌گرا رابطه معکوس وجود دارد.
 - ۲- بین هرم قدرت در هر دو گروه زنان رابطه معنا دار وجود دارد
 - ۳- بین نمرات پیشرفت و سطح توسعه دو گروه از زنان رابطه معنا دار وجود دارد.
 - ۴- بین تأثیر آموزش مهارتهای زندگی در زنان سنت‌گرا یا نوگرا تفاوت وجود دارد.
- لذا نتایج تحلیل داده‌ها بدین شرح می‌باشد که نوگرایی باعث ایجاد تغییر در نگرش زنان استان در زمینه مسائل زندگی و جامعه شده است و اثرات سنت‌گرایی هنوز هم بر زنان استان حاکم است و هر پنج عامل تغییر ارزشها، تغییر در هرم قدرت، توسعه انسانی پیشرفت و تعارض نقش‌ها به عنوان چالش‌های سنت‌گرایی و نوگرایی در میان جامعه مورد تحقیق شناخته می‌شود و نهایت‌گذار از سنت‌گرایی به نوگرایی جامعه مورد تحقیق را به توسعه پایدار نزدیک می‌نماید.

کلیدواژه‌ها: سنت‌گرایی، نوگرایی، توسعه پایدار، هرم قدرت، زنان

* دانشیار و مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

** دانش‌آموخته مقطع دکترای جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

مقدمه

یکی از متغیرهایی که می تواند در تحقیق گذار از سنت گرایی به نوگرایی نقش اساسی ایفا کند، تغییر در هرم قدرت در درون خانواده است که در زمان های قدیم مرد رأس هرم قدرت بود و امروزه این موضوع کم کم جایگاه خود را به زنان اختصاص داده است. همچنین تغییر در هرم قدرت باعث تغییر در ارزشهای زنان و منجر به توسعه و پیشرفت آنان و از طرف دیگر زمینه ایجاد آسیب های اجتماعی را شامل می گردد. وضعیت و موقعیت زنان، همانند مردان، در طول تاریخ جوامع انسانی تغییر کرده است. با این حال ماهیت این تغییر برای مردان و زنان نیز متفاوت بوده است. این تفاوت ها بیشتر تحت تأثیر عوامل محیطی-جغرافیائی، زیستی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی صورت گرفته است. نظر به فرآیند توسعه، حرکت از جامعه ما قبل جدید (جامعه کشاورزی) به جامعه جدید (جامعه صنعتی و تجاری) تغییرات در وضعیت هر دو جنس اساسی بوده است. به علت موقعیت بالاتر مردان در جوامع سنتی آنها توانسته اند زودتر و بیشتر از مواهب توسعه برخوردار شوند. این نابرابری، که در اکثر جوامع بالاخص جوامع پیرامون نمایان است، حرکت به سمت توسعه پایدار را با مشکل مواجه می کند. بنابراین افزایش توانمندی زنان برای نیل به درجه بالاتری از برابری جنسیتی، که به عنوان یک حق انسانی و یکی از اهداف توسعه هزاره سوم به شمار می آید، گامی اساسی برای دستیابی به این توسعه است که با حرکت از سمت دیدگاههای سنتی به سمت نوگرایی در حال شکل گرفتن می باشد. اما نکته مهم بررسی چالش های سنت گرایی و نو گرایی در فرایند این حرکت می باشد.

با توجه به نظریه هایی مطرح شده در زمینه گذار از جامعه سنتی به سمت جامعه صنعتی و پیوند آن با رویکرد توسعه انسانی و توسعه منطقه (استان چهارمحال و بختیاری) چارچوب نظری محقق ارائه می گردد. ۱- دورکیم در کتاب تقسیم اجتماعی کار به رشد شهرها و فرایند عقلانی شدن زندگی اجتماعی انسانها اهمیت بسزایی قائل است به نظر دورکیم جمعیت شهرهای بزرگ از مهاجرت مایه می گیرد و مهاجران کسانی هستند که به محض رسیدن به سن بلوغ کانون خانوادگی خود را ترک گفته اند و از زیر تأثیر بزرگسالان و سالمندان قوم رها شده اند، شهرهای بزرگ ساختار سنی را در مکان های مهاجر فرست دگرگون می کند و در همین شهرهاست که سنت ها کمتر از هر جای دیگر

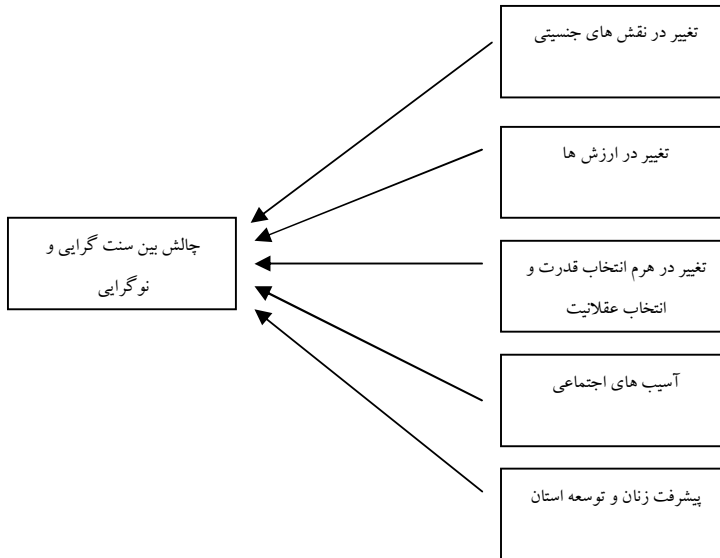
بر اندیشه‌ها و عواطف مردم تسلط دارد، شهرهای بزرگ کانون پیشرفت اند، اندیشه‌ها و مدها و رسوم و نیازهای تازه در همین شهرهای بزرگ پا می‌گیرند باورها و سلیقه‌ها و عواطف مردم دائم در حال تحول است در شهرهاست که پیوندهای شخصی سست می‌شود (دورکیم: ۲۶۲). بنابراین هرچه جامعه توسعه یافته‌تر می‌شود نوگرایی افراد نیز بیشتر می‌شود. ۲- به نظر پارسونز کنشگر در نظام‌گیری اش انتخاب‌های جهت‌داری دارد که اینها استاندارد شده‌اند و دو عامل ایستارهای ارزشی و جهت‌گیری انگیزشی تعیین‌کننده انتخاب کنشگران است و با همین ایستارها و جهت‌گیری‌ها کنشگران از میان متغیرهای الگویی الگوی کنش خود را انتخاب می‌کنند، متغیرهای الگویی که پارسونز ذکر می‌کند عاطفی بودن در مقابل بی‌تفاوتی عاطفی، مختص بودن در مقابل پراکنده، عام‌گرایی در مقابل خاص‌گرایی و کیفیت در مقابل عملکرد هستند (مور، ۱۷۸: ۱۳۷۵-۱۷۶). براساس چنین تفکری می‌توان گفت که نگرشها و ارزشها و سطح توسعه و پیشرفت زنان می‌تواند توسعه‌یابدار استان چهارمحال و بختیاری را تحت تأثیر قرار دهد. زیرا براساس نظریه وی فرایند جامعه‌پذیرکردن افراد در هر جامعه‌ای مطابق با نظام اجتماعی و نیازهای کارکردی آن نظام است و هر جامعه‌ای ارزشهایی دارد که در فرایند جامعه‌پذیری آن را به افراد منتقل می‌کند مثل تحصیلات، رقابت، ارزش دادن به گرایش‌های نو، قدرت و سلطه و عقلانیت که باعث پیشرفت زنان در استان و نهایتاً توسعه استان می‌گردد. ۳- مطابق نظر گیدنز، در فرهنگ‌های سنتی گذشته ارزشها مورد احترام است و نمادها ارزش دارند به خاطر اینکه تجربه‌نسلها را در بر می‌گیرد و تداوم می‌بخشند. سنت یکی از شیوه‌های تلفیق نظارت بازانديشانه کنش با سازماندهی زمانی و مکانی اجتماع است. سنت وسیله برخورد با زمان و مکان است و هر فعالیت یا تجربه خاص را در رشته تداوم گذشته و حال و آینده جای می‌دهد، سنت یکسره ایستا نیست زیرا برای هر نسل تازه‌ای دوباره اختراع می‌شود، در زمانی که یک نسل نو میراث فرهنگی اش را از نسل پیش از خود می‌گیرد و... به هر روی در تمدن‌های پیش از جدید بازاندیشی هنوز تا اندازه زیادی محدود به بازتفسیر و توضیح سنت بود... با پیدایش مدرنیته، بازانديشی خصلت دیگری به خود گرفت در این دوره بازانديشی وارد مبنای بازتولید نظام می‌شود، به گونه‌ای که اندیشه و کنش پیوسته در یکدیگر انعکاس می‌یابند. سنت در ترکیب با رخوت عادت حتی در

جدیدترین جوامع همچنان می تواند نقش ایفا کند (گیدنز، ۱۳۷۷: ۴۵). مطابق این دیدگاه چالش بین سنت و مدرنیته در بین کوچکترین بخش جامعه (خانواده) تا بزرگترین بخش آن یعنی نظام های سیاسی ، اقتصادی و... وجود دارد به خصوص این امر از نهاد خانواده شروع می شود پابندی به ارزشهای سنتی به قدرت بازاندیشی به مفهوم مدرنیته آن از طرف والدین و تفسیر خود سنت ها از جانب جوانان به شیوه جدید بازاندیشی موجب چالش نگرشی و ارزشی در درون خانواده می شود . در همین زمینه گیدنز اشاره می کند که « نسل های جوان امروز نسبت به نسل های پیشین به مسائل اخلاقی بسیار حساس هستند اما آنها این ارزشها را به سنتها ربط نمی دهند یا شکل های سنتی اقتدار را به مثابه عامل تعیین کننده هنجارهای شیوه زندگی نمی پذیرند برخی از این گونه ارزشهای اخلاقی در مفهوم اینگلهارت به روشنی فرامادی است به عنوان مثال به ارزشهای زیست بومی ، حقوق بشر یا آزادی مربوط می شود » (گیدنز، ۱۳۷۸: ۴۲). بنابراین رابطه ای بین سنت گرایی و نوگرایی و ارزشها وجود دارد . نظریه نئوکلاسیک مدعی است سطح توسعه انسانی زنان کمتر از مردان است مراد از سرمایه انسانی اساساً آموزش ، آموزش حرفه ای ، و تجارب شغلی است (زنجانی زاده ، ۱۳۷۰: ۱۵۲-۱۵۰). ۴- مطابق با نظر وبر در جوامع سنتی ، پدر سالاری - سلطه پدر بر خانواده که اعضای آن با هم زندگی و کار می کنند ، شکل خالص سلطه سنتی است . زن خانه از نظر جنسی و ذهنی وابسته ارباب خانه است ، بچه ها ناتوانند یا طوری تربیت می شوند که به حکم وظیفه اطاعت کنند . بر اساس این نظریه هرچه زنان سنت گرا باشند بیشتر به هرم قدرت سنتی پابند هستند و هرچه نوگرا باشند بیشتر به برابری قدرت در خانواده و جامعه هستند . زنان در جامعه جدید بر مبنای رشد عقلانیت خویش دستخوش تغییر در کنش ها و نقش هایشان می شوند و ارزشهای سنتی نیز کم کم تضعیف می شود و ارزشهای جدید جایگزین آنها می گردد و حتی در شرایط توسعه اجتماعی جنبش های زنان شکل می گیرد تا در جهت فرایند توسعه به برابری فرصت ها و رفع محرومیت ها و رفع تبعیض های جنسیتی که در جامعه حاکم بوده است دست یابند . ۵- مطابق با نظر زمیل در پی گذار از سنت گرایی به نوگرایی پیوندهای عاطفی زنان رو به کاهش رفته است و این خاصیت شهر نشینی است و عقلانیت جایگزین مسائل عاطفی در بین آنان گردیده است . ارزشهایی که اکنون برای زنان حاکم

است اغلب ارزشهای عینی و مادی است و آن دسته ارزشها که در حکم فرهنگ ذهنی می‌باشد نیز شامل آزادی، فردگرایی، تغییر در شیوه‌های زندگی می‌باشند که باعث می‌گردد در میان اعضای خانواده جامعه نوین چند صدایی و تعارض بوجود آورد که در بین خانواده‌ها در استان این تغییرات حاکم گردیده است. ۶- هابرماس نیز مطابق با نظریه عقلانی شدن و بر نوگرایی را در جامعه منطبق با گذار از سنت‌گرایی و تعدیل انسجام‌ها می‌داند از طرفی این گذار ما را به پیشرفت یادگیری، تحول علوم، تکنولوژی و هنر پیشرفتی عقلانی است و از طرف دیگر عقلانی شده به مثابه از دست دادن معنی و از دست دادن آزادی است. هابرماس می‌کوشد این دوفرآیند را در نظریه واحد مدرنیته بگنجانده به طوری که به نحو مناسبی با نظریه و بر بازسازی شود لذا با این وصف علت چالش بین سنت‌گرایی و نوگرایی در میان زنان استان در این نظریه مقایسه‌ای است که آنان میان وضعیت، امکانات و علل‌گرایش خود با تغییرات جدید و وضعیت نو که مناسبتر می‌دانند انجام می‌دهند و بر این اساس چالش بین سنت و نوگرایی بوجود می‌آید.

بطور کلی بررسی‌ها نشان داد که مطالعات تجربی در زمینه چالش بین سنت و نوگرایی در خصوص زنان دچار ضعف نظری است و بین نظریه و تجربه شکاف وجود دارد برخی از مطالعات تجربی هیچ اشاره‌ای به زنان در این شرایط گذار ننموده‌اند و برخی از آنها هم همانند دیدگاه‌های تند رو فمینیستی به یکباره همه حقوق را به زنان داده‌اند لذا نقد و بررسی منابع محققان پژوهش حاضر را به سوی انتخاب نظریه‌های تلفیقی جامعه‌شناختی رهنمون کرد تا بتوان با استفاده از این نظریه‌ها تبیین کامل‌تر و دقیق‌تری از موضوع ارائه کرد. درحقیقت می‌توان گفت که نظریه توسعه هسته‌ی اصلی چهارچوب نظری را تشکیل می‌دهد و از کلیه نظریاتی که تاکنون برای رفع نواقص و کمبودها استفاده شده است همگی به نوعی می‌خواهند این مسأله را بیان نمایند که با توجه به اینکه گذار چالش برانگیز است و نقاط ضعفی دارد اما در نهایت انسان و جامعه را به سمت توسعه سوق می‌دهد. لذا با توجه به مباحث نظری پیش‌گفته مدل و فرضیه‌های این تحقیق به صورت نمودارهای ذیل ترسیم شده است.

۱۷-۲ مدل نظری تحقیق



نمودار شماره (۱) مدل نظری تحقیق

نتایج سؤال های پژوهش:

۱- با توجه به دیدگاه غالب سنتی در این استان، نوگرایی چه تأثیری بر زنان دارد؟
باتوجه به نتایج یافته هاتعداد افراد پاسخ داده به پرسشنامه ها در هر گروه (نمونه این تحقیق) ۲۰۰ نفر می باشد. میانگین نمرات در زمینه تأثیر نوگرایی بر نگرش زنان در زندگی و جامعه برای زنان با تفکرات نوگرا برابر است با ۲۰/۵۵، انحراف استاندارد آنها ۲/۲۲ و خطای انحراف استاندارد نمرات ۰/۱۵ می باشد، میانگین نمرات در زمینه تأثیر نوگرایی بر نگرش زنان در زندگی و جامعه برای زنان با تفکرات سنت گرا برابر است با ۱۳/۵۰، انحراف استاندارد آنها ۳/۵۲ و خطای انحراف استاندارد نمرات ۰/۲۴ می باشد. به بیان دیگر بین میانگین نمرات در زمینه تأثیر نوگرایی بر نگرش زنان در زندگی و جامعه برای زنان با تفکرات نوگرا و زنان با تفکرات سنت گرا تفاوت معناداری وجود دارد و اینطور می توان گفت که با توجه به دیدگاه غالب سنتی در این استان، نوگرایی باعث ایجاد تغییر در نگرش زنان استان در زمینه مسائل زندگی و جامعه شده است.

۲- آیا اثرات سنت‌گرایی هنوز هم بر زنان استان حاکم است؟

میانگین نمرات در زمینه ماندگاری اثرات سنت‌گرایی بر زنان استان برابر است با ۱۹/۸۸، انحراف استاندارد آنها ۷/۷۸ و خطای انحراف استاندارد نمرات ۰/۳۸ می‌باشد. و t تک متغیره محاسبه شده برابر است با ۰/۳۰۸ که در سطح $P < ۰/۰۵$ معنادار نمی‌باشد به بیان دیگر تفاوت معناداری بین میانگین نظرات و نقطه برش پرسشنامه وجود ندارد و این گواه این موضوع است که همچنان اثرات سنت‌گرایی هنوز هم بر زنان استان حاکم است.

۳- از میان مقیاس‌های تغییر ارزشها، تغییر هرم قدرت، توسعه انسانی، پیشرفت زنان و تعارض نقش‌ها کدام یک جزو چالش‌های سنت‌گرایی و نوگرایی در میان جامعه مورد تحقیق می‌باشد و کدام یک تأثیر بیشتری دارد؟ t محاسبه شده برای سنجش تغییر در ارزشها برابر است با ۰/۲۶/۸۶ که در سطح $P < ۰/۰۵$ معنادار می‌باشد به بیان دیگر تفاوت معناداری بین میانگین نمرات زنان سنت‌گرا و زنان نوگرا وجود دارد t محاسبه شده برای سنجش هرم قدرت برابر است با ۰/۱۸/۲۲ که در سطح $P < ۰/۰۵$ معنادار می‌باشد به بیان دیگر تفاوت معناداری بین میانگین نمرات زنان سنت‌گرا و زنان نوگرا وجود دارد. t محاسبه شده برای سنجش پیشرفت زنان برابر است با ۰/۲۹/۷۱ که در سطح $P < ۰/۰۵$ معنادار می‌باشد به بیان دیگر تفاوت معناداری بین میانگین نمرات زنان سنت‌گرا و زنان نوگرا وجود دارد t محاسبه شده برای سنجش توسعه انسانی برابر است با ۰/۲۵/۱۲ که در سطح $P < ۰/۰۵$ معنادار می‌باشد به بیان دیگر تفاوت معناداری بین میانگین نمرات زنان سنت‌گرا و زنان نوگرا وجود دارد و t محاسبه شده برای سنجش میزان تعارض نقشها برابر است با ۰/۳۰/۴۳ که در سطح $P < ۰/۰۵$ معنادار می‌باشد به بیان دیگر تفاوت معناداری بین میانگین نمرات زنان سنت‌گرا و زنان نوگرا وجود دارد. در پایان می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که هر پنج عامل تغییر ارزشها، تغییر هرم قدرت، توسعه انسانی، پیشرفت و تعارض نقش‌ها به عنوان چالش‌های سنت‌گرایی و نوگرایی در میان جامعه مورد تحقیق شناخته می‌شوند.

بررسی های محقق نشان می دهد که هر چند هر پنج عامل به عنوان چالش مهمی شناخته می شود اما تغییر در ارزشها می تواند مهمترین شاخص ایجاد چالش برای گذار از سنت گرایی به نوگرایی در بین زنان استان چهار محال و بختیاری می باشد .

۴- آیا نهایتاً گذار از سنت گرایی به نوگرایی جامعه مورد تحقیق را به توسعه پایدار نزدیک می نماید ؟

میانگین نمرات توسعه پایدار برای زنان با تفکرات نوگرا برابر است با ۱۹/۸۶، انحراف استاندارد آنها ۳/۳۲ و خطای انحراف استاندارد نمرات ۰/۲۳ می باشد، میانگین نمرات توسعه پایدار برای زنان با تفکرات سنت گرا برابر است با ۱۶/۵۷، انحراف استاندارد آنها ۷/۳۳ و خطای انحراف استاندارد نمرات ۰/۵۱ می باشد و محاسبه شده برابر است با ۵/۷۶۶ که در سطح $P < ۰/۰۰۱$ معنادار می باشد به بیان دیگر بین میانگین نمرات زنان با تفکرات نوگرا و زنان با تفکرات سنت گرا تفاوت معناداری وجود دارد و اینطور می توان گفت که نهایتاً گذار از سنت گرایی به نوگرایی جامعه مورد تحقیق را به توسعه پایدار نزدیک می نماید .

فرضیات تحقیق شامل

- ۱- بین ارزش های نوگرا با سنتگرا رابطه معکوس وجود دارد .
- ۲- بین هرم قدرت در هر دو گروه زنان رابطه معنا دار وجود دارد
- ۳- بین نمرات پیشرفت و سطح توسعه دو گروه از زنان رابطه معنادار وجود دارد .
- ۴- بین تأثیر آموزش مهارت های زندگی در زنان سنت گرا یا نوگرا تفاوت وجود دارد.

روش تحقیق در این پژوهش: با توجه به موارد یاد شده می توان گفت که این تحقیق به دو روش کمی و کیفی می باشد . در روش کمی از روش پیمایشی و روش کیفی از مصاحبه استفاده شده است ، پیمایشی و از نوع کاربردی می باشد . که از شیوه گذشته نگر بهره می برد .

روش نمونه‌گیری

در این روش از نمونه‌گیری خوشه‌ای استفاده شده است. برای انتخاب نمونه‌ای به حجم n از یک جامعه به حجم N ، ابتدا تعداد جامعه را بر حجم نمونه مورد نظر تقسیم نمودیم تا فاصله‌ی نمونه‌گیری مشخص شود ($I = \frac{N}{n}$)، سپس یک عدد تصادفی چنان انتخاب گردید تا کوچکتر یا مساوی فاصله‌ی نمونه‌گیری باشد، آنگاه آن عدد را به عنوان عدد اول در نظر گرفته و فاصله‌ی نمونه‌گیری | (عدد I) را به آن می‌افزاییم و به این ترتیب ادامه می‌دهیم تا نفرات مورد نظر انتخاب گردند، در واقع نمونه‌گیری خوشه‌ای مشابه نمونه‌گیری تصادفی است.

جامعه آماری و نحوه انتخاب نمونه در این تحقیق: جامعه آماری در این تحقیق کلیه زنان بین ۲۰ الی ۴۰ استان چهارمحال و بختیاری طی سالهای ۸۸-۱۳۸۷ می‌باشد. به اقتضای شرایط و ویژگی خاص موضوع تحقیق و رعایت ملاحظات که در انتخاب روش تحقیق مورد توجه قرار گرفت برای انتخاب نمونه تحقیق ابتدا از کلیه ادارات تعداد زنانی که در ادارات استان چهارمحال و بختیاری کارمند بودند به تفکیک مناطق شهری و روستائی، سن و میزان تحصیلات اخذ گردید که از مجموع ۴۲۶۲۶۶ زن تعداد ۱۵۷۹۹۶ نفر از آنها بین سنین ۲۰ الی ۴۰ و ۳٪ با سواد بودند. این جمعیت به اضافه جمعیتی که به عنوان گروه شاهد در کنار آن انتخاب شد در واقع جامعه آماری این تحقیق محسوب می‌گردد. یک روش آماری در تعیین حجم نمونه (کوکران) بررسی ۱۴۰ نمونه آماری را آنگاه که بر اساس یک اطلاع قبلی احتمال بروز مسأله را ۱۰٪ بدانیم کافی می‌داند. (رفیعی پور، ۱۳۶۰). انتخاب گروه شاهد (گواه) ضمن آنکه امکان مقایسه و تطبیق را فراهم می‌آورد، عملاً با گسترش حجم جمعیت مورد مطالعه به خانوار، نتایج نهایی را قرین به اطمینان بیشتری می‌نماید. بنابراین در این پژوهش می‌خواهیم از یک جمعیت ۱۵۷۹۹۶ نفری زنان بین سنین ۲۰ الی ۴۰ ساله در استان چهارمحال و بختیاری، نمونه‌ای به منظور برآورد نسبت حائزین صفات انتخاب کنیم. حجم نمونه با استفاده از فرمول برآورد حجم نمونه کوکران ۴۰۰ نفر انتخاب شده که به دلیل بالا بردن اعتبار و روایی تحقیق، حجم نمونه را به ۴۰۰ نفر رسانیده ایم، تعیین شده است (سرای، ۱۳۷۳: ۱۳۷).

متغیرهای تحقیق

متغیرهای مستقل شامل؛ سنت گرایی، نوگرایی است. متغیرهای وابسته شامل؛ تعارض نقش ها، قدرت، آسیب های اجتماعی، آموزش مهارت های زندگی، ارزش ها توسعه و پیشرفت می باشد. متغیرهای مستقل و وابسته:

این تحقیق در صدد است تا در یابد که تعارض در میان زنان، بحران هویت، آموزش های مهارت های زندگی آسیب های اجتماعی، تغییر در هرم قدرت، ارزش های اجتماعی و سنتها به عنوان متغیرهای وابسته جدای از عوامل تا چه حد بر متغیرهای مستقل و کلی تحقیق «سنت گرایی و نوگرایی، توسعه انسانی» تأثیر دارد.

یافته ها

بین میانگین نمرات ارزش های زنان با تفکرات نوگرایی و زنان با اندیشه های سنت گرا تفاوت معناداری وجود دارد. نتیجه یافته ها نشان می دهد که تعداد افراد پاسخ داده به پرسشنامه ها در هر گروه (نمونه این تحقیق) ۲۰۰ نفر می باشد. میانگین نمرات ارزش های زنان با تفکرات نوگرایی ۳۱/۱۰، انحراف استاندارد آنها ۴/۹۱ و خطای انحراف استاندارد نمرات ۰/۳۴ می باشد، میانگین نمرات ارزش های زنان با تفکرات سنت گرا معادل ۱۷/۱۴ انحراف استاندارد آنها ۴/۷۵ و خطای انحراف استاندارد نمرات ۰/۳۳ می باشد. و محاسبه شده برابر است با ۲۸/۸۶۵ که در سطح $P < ۰/۰۰۱$ معنادار می باشد به بیان دیگر بین میانگین نمرات ارزش های زنان با تفکرات نوگرایانه و زنان با تفکرات سنت گرا تفاوت معناداری وجود دارد. و اینطور می توان گفت که تفکرات نوگرایانه در جامعه مورد تحقیق باعث تغییر در ارزشها شده است.

بین میانگین نمرات هرم قدرت زنان با تفکرات نوگرایانه و زنان با تفکرات سنت گرا تفاوت معناداری وجود دارد.

نتایج یافته ها در این فرضیه نشان می دهد که تعداد افراد پاسخ داده به پرسشنامه ها در هر گروه (نمونه این تحقیق) ۲۰۰ نفر می باشد. میانگین نمرات هرم قدرت برای زنان با تفکرات نوگرایانه ۳۱/۹۱، انحراف استاندارد آنها ۶/۲۵ و خطای انحراف استاندارد

نمرات ۰/۴۴ می‌باشد، میانگین نمرات هرم قدرت برای زنان با تفکرات سنت‌گرا معادل ۲۰/۷۸، انحراف استاندارد آنها ۵/۹۶ و خطای انحراف استاندارد نمرات ۰/۴۲ می‌باشد. و t محاسبه شده برابر است با ۱۸/۲۲۶ که در سطح $P < ۰/۰۰۱$ معنادار می‌باشد به بیان دیگر بین میانگین نمرات هرم قدرت زنان با تفکرات نوگرایانه و زنان با تفکرات سنت‌گرا تفاوت معناداری وجود دارد و این‌طور می‌توان گفت که تفکرات نوگرایانه در جامعه مورد تحقیق باعث تغییر در هرم قدرت شده است.

بین میانگین نمرات پیشرفت زنان با تفکرات نوگرایانه و زنان با تفکرات سنت‌گرا تفاوت معناداری وجود دارد.

نتایج یافته‌های این فرضیه نشان می‌دهد که تعداد افراد پاسخ‌داده به پرسشنامه‌ها در هر گروه (نمونه این تحقیق) ۲۰۰ نفر می‌باشد. میانگین نمرات پیشرفت برای زنان با تفکرات نوگرایانه ۴۱/۳۳، انحراف استاندارد آنها ۷/۵۸ و خطای انحراف استاندارد نمرات ۰/۵۳ می‌باشد، میانگین نمرات پیشرفت برای زنان با تفکرات سنت‌گرا معادل ۲۳/۲۱، انحراف استاندارد آنها ۴/۸۵ و خطای انحراف استاندارد نمرات ۰/۳۴ می‌باشد و t محاسبه شده برابر است با ۱۸/۲۲۶ که در سطح $P < ۰/۰۰۱$ معنادار می‌باشد به بیان دیگر بین میانگین نمرات هرم قدرت زنان با تفکرات نوگرایانه و زنان با اندیشه‌های سنت‌گرا تفاوت معناداری وجود دارد و این‌طور می‌توان گفت که تفکرات نوگرایانه در جامعه مورد تحقیق باعث پیشرفت زنان شده است.

بین میانگین نمرات سطح توسعه زنان با تفکرات نوگرایانه و زنان با اندیشه‌های سنت‌گرا تفاوت معناداری وجود دارد.

نتایج یافته‌های این فرضیه نشان می‌دهد که تعداد افراد پاسخ‌داده به پرسشنامه‌ها در هر گروه (نمونه این تحقیق) ۲۰۰ نفر می‌باشد. میانگین نمرات سطح توسعه برای زنان با تفکرات نوگرایانه ۲۰/۵۱، انحراف استاندارد آنها ۲/۸۸ و خطای انحراف استاندارد نمرات ۰/۲۰ می‌باشد، میانگین نمرات سطح توسعه برای زنان با اندیشه‌های سنت‌گرا معادل ۱۲/۹۵، انحراف استاندارد آنها ۳/۱۲ و خطای انحراف استاندارد نمرات ۰/۲۲ می‌باشد. و t محاسبه شده برابر است با ۲۵/۱۲۱ که در سطح $P < ۰/۰۰۱$ معنادار می‌باشد.

به بیان دیگر بین میانگین نمرات سطح توسعه زنان با تفکرات نوگرایانه و زنان با اندیشه های سنت گرا تفاوت معناداری وجود دارد و اینطور می توان گفت که تفکرات نوگرایانه در جامعه مورد تحقیق باعث افزایش سطح توسعه زنان شده است.

بین دیدگاه نوگرایانه و سنت گرا در زمینه اعتقاد به تأثیرآموزش مهارت های زندگی در کاهش آسیب های اجتماعی تفاوت معناداری وجود دارد.

نتایج یافته های این فرضیه نشان می دهد که تعداد افراد پاسخ داده به پرسشنامه ها در هر گروه (نمونه این تحقیق) ۲۰۰ نفر می باشد. میانگین نمرات در زمینه اعتقاد به تأثیرآموزش مهارت های زندگی در کاهش آسیب های اجتماعی برای زنان با اندیشه های نوگرایانه ۲۰/۶۴، انحراف استاندارد آنها ۱/۷۰ و خطای انحراف استاندارد نمرات ۰/۱۲ می باشد، میانگین نمرات در زمینه اعتقاد به تأثیرآموزش مهارت های زندگی در کاهش آسیب های اجتماعی برای زنان با اندیشه های سنت گرا معادل ۱۸/۲۶، انحراف استاندارد آنها ۲/۸۰ و خطای انحراف استاندارد نمرات ۰/۱۹ می باشد و محاسبه شده برابر است با $P < ۰/۰۰۱$ که در سطح ۱۰/۲۴۸ که در سطح $P < ۰/۰۰۱$ معناداری باشد به بیان دیگر بین میانگین نمرات در زمینه اعتقاد به تأثیرآموزش مهارت های زندگی در کاهش آسیب های اجتماعی برای زنان با اندیشه های نوگرایانه و زنان با تفکرات سنت گرا تفاوت معناداری وجود دارد و اینطور می توان گفت که اندیشه های نوگرایانه در جامعه مورد تحقیق باعث افزایش اعتقاد به تأثیرآموزش مهارت های زندگی در کاهش آسیب های اجتماعی جامعه شده است.

نتیجه گیری

گستره زمینه های بروز علل چالش های موجود بین سنت گرایی و نوگرایی در میان زنان به وسعت کلیه عوامل جغرافیایی، جمعیتی، اقتصادی - اجتماعی، فرهنگی و مدیریتی جامعه است. بهبود این ساختارها و ارتقای سطح کیفی آنان از چنان پیچیدگی و اهمیتی برخوردار است که برنامه های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشورها از طریق راه کارهای مشخص و دراز مدت آنها را دنبال می نمایند. میزان توفیق این برنامه ها و تأثیراتی که در ابعاد مختلف زندگی زنان این استان برجای می گذارند در میزان بروز

چالش‌های سنت‌گرایی و نوگرایی آنها منعکس خواهد شد. بنابراین از دیدگاه جامعه‌شناختی نتایج و توصیه‌ها و پیشنهادهای برگرفته از این نتایج در پیشگیری از بروز این چالش قرار دارد. در این صورت انتظار می‌رود که اجرای برنامه‌های توسعه اقتصادی اجتماعی - فرهنگی جامعه به ارتقای سطوح زندگی زنان این استان در کلیه ابعاد انجامید، و باورهای جدیدی را پشتوانه رفتار آتی قرار دهد. آموزش وسیع و آگاهسازی همگانی بطور اعم و زنان جوان و والدین آنها به طور اخص نسبت به علل این چالش بسیار ضروری است. این اقدام به صورت یک پیشنهاد عملی در شرایط فعلی استان مورد تأکید است. باید خانواده‌ها نسبت به آثار و عواقب ناشی از این چالش آگاه گردند و در این راستا بر اساس یک برنامه دقیق کلیه نهاد‌های آموزشی و فرهنگی و رسانه‌های جمعی برای ایجاد یک باور اجتماعی جدید پیرامون رعایت اقدامات پیشگیرانه هماهنگ گردند. با توجه به اینکه پاسخ‌دهندگان از سنین ۲۰ به بالای زنان استان را تشکیل می‌دهند و یک جامعه فعال و جوان می‌باشند مقایسه سنت‌گرایی و نوگرایی در این گروه سنی از اهمیت ویژه‌ای برای برنامه‌های توسعه استانی برخوردار است. نمونه آماری ۴۰۰ نفر که به نسبت مساوی شاخص‌های سنت‌گرا و نوگرا داشته‌اند، انتخاب شده است با توجه به میزان تحصیلات هر قدر میزان تحصیلات بالاتر می‌شود تعداد فراوانی زنان نوگرا بیشتر می‌شود و این نشان‌دهنده حرکت از سنت‌گرایی به نوگرایی با توجه به میزان تحصیلات و رشد زنان و توسعه‌ی منطقه می‌باشد. با توجه به نتایج و یافته‌های تحقیق خطری که جامعه زنان استان را تهدید می‌نماید در خصوص کاهش میزان تأهل زنان نوگرا نسبت به سنت‌گرا می‌باشد اغلب زنان نوگرا به دلیل نوع تفکر و فرصتی که در اختیار تحصیلات و کسب شغل جهت یک زندگی مطلوب می‌گذارند باعث شده است که سن ازدواج آنها بالا رفته و اغلب مجرد بمانند که این یک آسیب جدی جهت توسعه‌ی استان می‌باشد زیرا ازدواج عاملی در جهت کاهش آسیب‌های اجتماعی نیروی جوان یک جامعه می‌باشد همچنین نتایج یافته‌ها در جدول ۲۲-۴ نشان‌دهنده این مسأله می‌باشد بیشتر زنان نوگرا در سنین بالائی ۳۰ سالگی ازدواج می‌کنند. نتایج نشان می‌دهد که خانواده‌های سنت‌گرا دارای بار تکفل بیشتر (فراوانی جمعیت خانواده) دارند اما خانواده‌های نوگرا

اغلب دارای دارای ۲ تا ۳ فرزند هستند پس نوگرایی می تواند عامل در کنترل و تنظیم جمعیت باشد که شاخص جمعیتی نیز یکی از عوامل مهم توسعه به شمار می رود همچنین میزان اشتغال زنان نوگرا به سنت گرا بیشتر است که میزان افزایش اشتغال زنان که نیمی از جمعیت جامعه را تشکیل می دهند عامل مهمی در توسعه استان می باشد و به دنبال آن کسب در آمد بیشتر عاملی در رشد توسعه ی خانواده ها و جامعه می باشد . همچنین وضعیت خانواده ها (پدر و مادر) بر اساس تحصیلات و اشتغال نشان دهنده ی این مطلب است که در خانواده هایی که پدر و مادر تحصیلات بالا و اشتغال دارند ، بر رشد زنان و دختران در بعد افزایش تحصیلات و اشتغال مؤثر بوده است و آنان نیز در جهت کسب این دو متغیر نسبت به خانواده هایی سنت گرا که پدر و مادر تحصیلات کمتر و اشتغال نا مناسب دارند و موفق می باشند . با توجه به یافته های تحقیق نوع و شیوه ارتباطات زنان نوگرا در این استان بیشتر بر اساس روابط دوستان و ارتباط جمعی است که در جوامع توسعه یافته نیز اغلب بر وسایل ارتباط جمعی و مجازی یا دوستان و آشنایان می باشد ، تا روابط صمیمی خانواده و فامیل و نشان دهنده حرکت و گذر جامعه از سنتی به نوگرایی می باشد که هم می تواند یک فرصت باشد جهت پیچیدگی و فراوانی ارتباط با سایر جوامع و رشد توسعه ، و هم می تواند تهدیدی باشد که کاهش روابط خانوادگی و فامیل به افزایش میزان آسیب های اجتماعی می باشد که فرا گرفته اند و زنان سنتی کمتر این آگاهی و مهارت را کسب نموده اند .

لذا با توجه به نتایج فرضیات می توان اثبات نمود که :

۱- بین میانگین نمرات ارزشهای زنان با اندیشه های نوگرایانه و زنان با تفکرات سنت گرا تفاوت معنا دار وجود دارد و چالش بین نوگرایی و سنت گرایی باعث تغییر در ارزش ها شده است .

۲- بین میانگین نمرات هرم قدرت زنان با اندیشه های نوگرایانه و زنان با اندیشه های سنت گرا تفاوت معنا دار وجود دارد و نوگرایی در جامعه مورد تحقیق باعث تغییر در هرم قدرت زنان شده است (فرضیه شماره ۲)

۳- بین میانگین نمرات پیشرفت زنان با اندیشه‌های نوگرایانه و زنان با اندیشه‌های سنت‌گرا تفاوت معنا داری وجود دارد یعنی نوگرایی در جامعه مورد تحقیق باعث پیشرفت زنان شده است (فرضیه شماره سه)

۴- بین میانگین نمرات سطح توسعه زنان با اندیشه‌های نوگرایانه و زنان با اندیشه‌های سنت‌گرا تفاوت معنا داری وجود دارد یعنی نوگرایی در جامعه مورد تحقیق باعث افزایش سطح توسعه زنان شده است (فرضیه شماره چهار)

۵- بین دیدگاه نوگرایی و سنت‌گرا در زمینه اعتقاد به تأثیر آموزش مهارت‌های زندگی در کاهش آسیب‌های اجتماعی تفاوت معنا دار وجود دارد یعنی زنان نوگرا بیشتر به آموزش مهارت‌های زندگی اعتقاد دارند و نسبت به آن آگاه می‌باشند (فرضیه شماره پنج)

در نتیجه می‌توان عنوان نمود که با توجه به سؤال‌های تحقیق با وجود دیدگاه غالب سنتی در این استان نوگرایی باعث تغییر در نگرش زنان استان در زمینه مسائل زندگی و جامعه شده است و همچنین اثرات سنت‌گرایی بر آنها حاکم است و هر پنج عامل تغییر ارزشها، قدرت، توسعه انسانی پیشرفت و تعارض نقش‌ها بعنوان چالش‌های سنت‌گرایی و نوگرایی در جامعه مورد تحقیق شناخته شده است که در نهایت گذار از سنت‌گرایی به نوگرایی جامعه مورد تحقیق را به توسعه پایدار نزدیک می‌نماید اما بررسی‌های محقق و انجام مصاحبه با برخی از نمونه‌های برگزیده برای تحقیق نشان می‌دهد که هر چند هر پنج عامل به عنوان چالش مهمی شناخته می‌شود اما تغییر در ارزشها می‌تواند مهمترین شاخص ایجاد چالش برای گذار از سنت‌گرایی به نوگرایی در بین زنان استان چهارمحال و بختیاری می‌باشد.

پیشنهادها

۱- باورها، نگرشها و تمایلات زمینه ساز بروز چالش بین سنت و نوگرایی در میان زنان استان برنامه ریزی و مدیریت گردد و دستگاه ها و سازمان های دولتی و غیر دولتی مرتبط در این راستا به تدوین و اقدام به وظائف و اقدامات فعالیت های جاری خویش بپردازند به عنوان مثال اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی در خصوص فرهنگ سازی و تغییر باورها و نگرشها برنامه های فرهنگی خاص زنان این منطقه طراحی و در فرهنگ عمومی آن را طرح و عملی نماید و صدا و سیما نیز اطلاع رسانی و همکاری لازم را بنماید که خانواده ها در این شرایط گذار دچار انواع بحران های روحی و روانی و اجتماعی نگردند و آرام، آرام، تغییرات رایج جامعه را بپذیرند تا شکاف فرهنگی بین نسل ها نیز کاهش پیدا کند.

۲- عادات، رسوم و عقاید خرافی در سنت های گذشته می تواند زمینه ساز بروز این چالش گردد که پیشنهاد می گردد این مسأله نیز با آموزش به مردم و آگاه سازی مطلوب و بهینه می تواند مرتفع گردد.

۳- ارتباط سطح سواد و نوع اشتغال والدین با میزان بروز این چالش در زنان و دختران جوان جامعه مورد تحقیق اهمیت ویژه ای دارد، که در برنامه های آموزشی به خانواده ها از طریق طرح های آگاه سازی می توان حتی به والدینی که سطح سواد پایینی دارند، نسبت به تغییرات شرایط جامعه و اقدامات پیشگیرانه در خصوص همدلی و جذب صمیمی خانواده آموزش داد.

۴- محاسبه شاخص بروز چالش بین سنت و نوگرایی در استان بر حسب هر یک از عوامل جغرافیایی، جمعیتی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و مدیریتی و مطالعه تطبیقی هر کدام از آنها در شیوه زندگی مردم استان ضرورت دارد.

منابع

۱. ازکیا، م. (۱۳۶۵). جامعه‌شناسی توسعه و توسعه نیافتگی روستایی ایران، تهران، انتشارات اطلاعات
۲. ازکیا، م. (۱۳۶۷). جامعه‌شناسی توسعه و توسعه نیافتگی، نامه علوم اجتماعی، دوره جدید، شماره ۱، جلد اول، انتشارات دانشگاه تهران
۳. ازکیا، م. (۱۳۷۷). جامعه‌شناسی توسعه تهران، موسسه نشر کلمه
۴. افضل‌آبادی، ا. (۱۳۷۶). بررسی زمینه‌های تاریخی و ساختاری نوسازی در ایران ۱۳۵۷-۱۳۲۰ و ترکیه ۱۹۶۵-۱۹۴۰، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس.
۵. اولسون، د. ا. (۱۳۸۳). توانمندسازی همسران، جعفری نژاد، کامران، انتشارات سازمان بهزیستی تهران.
۶. اینترنت، سایت انجمن جامعه‌شناسی ایران.
۷. آتکو، ج. (۱۳۸۳). جلوه‌های زندگی یک زن، ترجمه بهزاد، منیژه، تهران، انتشارات توتنا.
۸. آرون، ر. (۱۳۷۰). مراحل اساسی اندیشه در جامعه‌شناسی ترجمه باقر پرهام. تهران انتشارات آموزش انقلاب اسلامی
۹. بهنام، ج. (۱۳۸۶). ایرانیان و اندیشه تجدد، تهران، چاپ سوم، انتشارات فرزاد.
۱۰. بی‌بی، ا. و فاضل، ر. (۱۳۸۱). روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی جلد (۱) و (۲)، تهران انتشارات سمت.
۱۱. برناردز، ج. (۱۳۸۶). درآمدی به مطالعات خانواده.
۱۲. باریور، ا. (۱۳۷۴). علم و دین، ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی. تهران. مرکز نشر دانشگاهی.
۱۳. تورن، آ. (۱۳۸۳). ایران در جریان فرایند مدرنیزاسیون قرارداد «د». همشهری، ویژه نامه نوروز، ص ۴۷.
۱۴. جامعه‌شناسی جدید، پتروسلی، ترجمه پویان
۱۵. حیات اجتماعی زن در تاریخ ایران (۱۳۶۹). دفتر پژوهش‌های فرهنگی وابسته به مراکز فرهنگی - سینمایی، تهران، انتشارات امیرکبیر.
۱۶. رضاقلی علی، (۱۳۸۸). جامعه‌شناسی نخبه‌کشی، تهران، چاپ سی ام انتشارات نشر نی.
۱۷. رفیع پور، ف. (۱۳۶۰). کندوکاو، پنداشته‌ها، تهران، شرکت سهامی انتشار.
۱۸. ریتوز، جرج، نظریه‌های جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران
۱۹. رازی، عبدالله (بی تا)، تاریخ کامل ایران، تهران، نشر اقبال.
۲۰. رزاقی، ابراهیم، اقتصاد ایران، تهران: نشر نی. (۱۳۶۷)
۲۱. رجالی، س. (۱۳۵۰). نقش زن در آموزش و پرورش ایران، مقاله نقل از کتاب نقش زن در فرهنگ و تمدن ایران، تهران، سازمان زنان ایران، ص ۱۶.
۲۲. رمضان‌پور، ع. (۱۳۷۴). سیمای زن در مطبوعات، مقایسه تطبیقی محتوای مجله زن روز در دوران قبل و بعد از انقلاب اسلامی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی.
۲۳. رئیس‌دانا ریال فریروز، بررسی‌هایی در آسیب‌شناسی اجتماعی ایران، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی تهران، (۱۳۸۰)
۲۴. سرایی، ج. (۱۳۸۲). مقدمه ای بر نمونه‌گیری در تحقیق، تهران، انتشارات سمت.
۲۵. سیف‌اللهی، س. جامعه‌شناسی مسایل اجتماعی ایران
۲۶. ساراب، م و تاجیم، م. پسا ساختارگرایی و پسا مدرنیسم، نشر نی
۲۷. ساروخانی، ب. (۱۳۸۷). جامعه‌شناسی ارتباطات، انتشارات اطلاعات تهران.
۲۸. سازمان برنامه و بودجه استان چهارمحال و بختیاری، خلاصه اطلاعات سرشماری نفوس و مسکن ۱۳۷۵ در استان
۲۹. سوز، آلوین (۱۳۸۰). تغییر اجتماعی و توسعه، ترجمه محمود حبیبی مظاهری، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۳۰. سیف‌اللهی، س. (۱۳۷۰). تبیین پدیده توسعه یافتگی و توسعه نیافتگی، تهران، فصل‌نامه علوم اجتماعی شماره ۲ و ۳ سال.
۳۱. سیف‌اللهی، س. بررسی مسائل اجتماعی ایران
۳۲. صابری شیروانی، م. (۱۳۴۵). نقش زن در جامعه ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، موسسه عالی علوم سیاسی، ص ۱۴، ۲۰، ۱۲، ۱۷۳.
۳۳. صابری، آ. (۱۳۷۴). «بررسی نقش زنان در اهداف و سیاست‌های آموزشی برنامه‌های توسعه کشور». مجموعه مقالات کنفرانس نقش زن در علم، صنعت و توسعه، تهران: دفتر امور زنان نهاد ریاست جمهوری
۳۴. فراستخواه، م. (۱۳۷۹). تحولات نهادی اجتماعی، فرهنگی و سیاسی و تأثیر آن بر تقاضای آموزش عالی (بخش دوم)، تهران، موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.
۳۵. فروند، ژ. (۱۳۶۲). جامعه‌شناسی، ماکس وبر، ترجمه عبدالحسین نیک‌بهر. تهران: نیکلان
۳۶. کیوی، ر و کیهنود، ل. (۱۳۷۰). روش تحقیق در علوم اجتماعی، ترجمه نیک‌بهر، عبدالحسین، تهران، انتشارات فرهنگ معاصر،
۳۷. کاظمی، ع. (۱۳۷۲). بحران نوگرایی و فرهنگ سیاسی در ایران معاصر، تهران: نشر قومس.
۳۸. کاظمی پور، ش. (۱۳۷۸). الگوی تعیین پایگاه اجتماعی - اقتصادی افراد و سنجش تحرک اجتماعی با تکیه بر مطالعه موردی شهر تهران». نامه علوم اجتماعی، ش ۱۴، ص ۱۵۲-۱۵۱.
۳۹. کهون، ل و رشیدیان، ع. (۱۳۸۴). از مدرنیسم تا پست مدرنیسم، چاپ چهارم، تهران، نشر نی
۴۰. کرایپ، ی. مسمی پرست شهناز، نظریه اجتماعی کلاسیک، موسسه انتشارات، آگاه تهران
۴۱. گیدنز، ا. (۱۳۷۸). تجدد و تشخیص: جامعه و هویت شخصی در عصر جدید، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نشر نی
۴۲. منصور فر، ک. روش‌های آماری، انتشارات دانشگاه تهران چاپ ششم.
۴۳. مجله جامعه‌شناسی ایران در دوره پنجم شماره ۲، (۱۳۸۳). انجمن جامعه‌شناسی ایران.
۴۴. مجله مطالعات اجتماعی ایران (۱۳۸۷). انجمن جامعه‌شناسی ایران.
۴۵. محسنی، م. (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی جامعه اطلاعاتی، نشر دیدار تهران
۴۶. محمدزاده، ع. (۱۳۸۱). مدیریت توسعه، انتشارات سمت تهران

- ۴۹- Hosmer, D.w, and Lemeshow, s. (۱۹۸۹). Applied logistic regression . john Wiley . new york
- ۵۰- Lnlkelrs, A , Become Modern. (۱۹۷۶) Individual Change in Six Developing Countries ,Massachusetts: Harvard University press.
- ۵۱- Sharma , S.L (۱۹۸۶) Development Socio-cultural Dimensions Rawat Publications.
- ۵۲- weeks.johan.r. (۱۹۹۴) population sandiago state university ,fifth edition.